

## بسم الله الرحمن الرحيم خلاصه خطبه جمعه

مورخه ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ ، مصادف با ۲۱ شهریور ۱۳۹۹

سیدنا امیرالمومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ مصادف با ۲۱ شهریور ۱۳۹۹ در مسجد مبارک اسلام آباد تلفورد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد. حضور انور فرمودند:

از صحابی اهل بدر که امروز ذکر خیر می‌کنم، اسمش حضرت بلال بن رباح است. حضرت بلال برده امیه بن خلف بود مادر حضرت بلال از اهالی حبشه بود. اما پدرش از سرزمین عرب بود. به روایتی حضرت بلال در مکه متولد شد. به روایت دیگر وی در سورا متولد شد. رنگ پوست حضرت بلال گندم‌گون و مایل به سیاهی بود، بدنش لاغر و ضعیف و موهای سرش پرپشت بود، روی رخسار خود گوشت بسیار کمی داشت؛ حضرت بلال ازدواج‌های متعددی کرده بود. اما وی از هیچ‌کدام از همسران خود بچه‌دار نشد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: بلال سابق الحبشه یعنی از اهل حبشه بلال اول از همه ایمان آورد.

حضرت بلال بن رباح از آن افرادی بود که وقتی به اسلام گرویدند مورد رنج و عذاب قرار گرفتند تا از دین اسلام بازگردند. اما حضرت بلال هیچگاه جلوی‌شان آن کلمه مورد نظرشان را به زبان نیاورد یعنی خدای [واحد] را انکار نکرد. در روایتی آمده است که پس از اسلام آوردن حضرت بلال، صاحبانش او را روی زمین می‌خواباندند و بر او سنگریزه‌ها و پوست گاو می‌انداختند و می‌گفتند: پروردگارت لات و عزی است اما وی در پاسخ فقط احد احد می‌گفت. حضرت ابوبکر به قیمت هفت اوقیه حضرت بلال را خرید و آزاد کرد. گفتنی است که یک اوقیه برابر با چهل درهم است یعنی [حضرت ابوبکر وی را به قیمت دویست و هشتاد درهم خرید. مردم به حضرت ابوبکر گفتند: چنانچه شما فقط به یک اوقیه [یعنی چهل درهم] هم او را می‌خریدید، ما او را می‌فروختیم، حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: اگر شما او را به صد اوقیه یعنی چهار هزار درهم هم می‌فروختید باز هم من او را می‌خریدم.

در روایتی حضرت عمر می‌گفت که ابوبکر سردارما است و وی سردارما یعنی حضرت بلال را آزاد کرد.

حضرت خلیفه دوم مسیح موعود با ذکر رنج و شکنجه‌ای که به حضرت بلال داده می‌شد می‌فرماید بلال را صاحبانش روی شن داغ می‌خواباندند و روی او سنگ می‌نهادند یا جوانان را مامور می‌کردند که روی سینه‌اش پایه‌کوبی کنند. بلال حبشی‌نژاد برده امیه بن خلف سردار مکه بود. امیه وی را در تابستان به هنگام ظهر روی شن داغ می‌خواباند و بر سینه‌اش سنگ داغ می‌گذاشت و می‌گفت: خدایی لات و عزی را بپذیر و از محمد صلی الله علیه وسلم بیزاری جو ولی بلال در پاسخ فقط احد احد می‌گفت یعنی خداوند واحد است، خداوند واحد است. با شنیدن پاسخ مکرر وی امیه عصبانی‌تر می‌شد و در گردنش طناب می‌انداخت و آن را به افراد شرور می‌سپرد و می‌گفت: وی را در کوچه‌های مکه از بالای سنگریزه‌ها ببرید، در اثر آن تمام بدنش خونی می‌شد اما باز وی به طور مرتب و مستمر احد احد می‌گفت یعنی خدا واحد است، خدا واحد است. بعد از مدتی وقتی که خداوند متعال به مسلمانان در مدینه صلح و امنیت عطا کرد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بلال را مامور فرمودند که اذان بگوید. این برده حبشی وقتی که در اثنای گفتن اذان به جای گفتن اشهد ان لا اله الا الله، اسهد ان لا اله الا الله می‌گفت، مردم مدینه که از احوالش آگاه نبودند، شروع به خندیدن می‌کردند بر موقعی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند شما به اذان گفتن بلال می‌خندید اما خداوند متعال بر روی عرش از شنیدن صدای اذانش خوشحال می‌شود.

حضرت بلال از زمره السابقون الاولون [پیشگامان نخستین] به شمار می‌رود، وی در زمانی اسلام خود را اعلام کرد که فقط هفت نفر توفیق یافته بودند حضرت بلال وقتی که هجرت نموده و به مدینه تشریف آورد، در منزل حضرت سعد بن خثمه اسکان نمود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین او و حضرت عبیده بن حارث یا حضرت ابو رویحه خثمی پیمان برادری بستند.

وقتی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه آمدند، در آنجا صحابه شروع کردند به بیمار شدن و حضرت ابوبکر، حضرت بلال و حضرت عامر بن فهیره هم شاملشان بودند [که بیمار شدند]. حضرت بلال گفت: الها، لعنت بر شعبه بن ربیع، عتبه بن ربیع و امیه بن خلف باد زیرا آنها ما را از سرزمین خود به سرزمین دارای بیماری واگیردار رانده‌اند حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، این دعا خواندند که پروردگارا، مدینه را برای ما همانگونه عزیز بساز که مکه به ما عزیز است یا حتی بیشتر از آن.

وقتی که از قادیان مهاجرت شد، حضرت مصلح موعود رضی الله عنه خطاب به احمدی‌ها نصیحت کردند که این غصه را رها کنید که با از دست دادن اموال و دارایی خود هجرت کرده‌اید، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بر آن مهاجران اظهار تاسف می‌کردند که به از دست دادن وطن و دارای‌های خود غصه می‌خورند. روزی حضرت بلال هم تب کرد وی با گفتن بیت شروع به ایجاد سر و صدا کرد، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وقتی که این رفتارش را دیدند بر او عصبانی شدند و فرمودند: آیا شما برای اینچنین کارها به اینجا آمده‌اید؟ من هم به شما می‌گویم که خوشحال باشید، این را نبینید که ما چه چیزها را از دست داده‌ایم، چنانچه از دست داده خود را به خاطر خدا و پیشرفت اسلام از دست داده‌اید در آن صورت خوشحال باشید. پس ما احمدی‌ها که این طرز فکر داریم و به ما خلیفه آن زمان اینطور نصیحت کرده بود که هجرت ما به خاطر خدا و برای خدمت به اسلام است، امروز آن کسانی که بر علیه تشکیل پاکستان بودند و مدعی تاسیس آن شده‌اند، با دروغ و فریب خود احمدی‌ها را از حقوق اولیه شهروندی‌شان هم محروم می‌کنند در حالی که بیش از همه احمدی‌ها به خاطر پاکستان فداکاری کرده بودند. آن دینی که به خاطر خدمت به آن و اثبات برتری‌اش ما هجرت کرده بودیم، پارلمان پاکستان به خاطر اهداف سیاسی خود ما را قدقن کرده که ما حتی نام آن دین را هم ببریم. ما به هر حال نیازی به سند [و اجازه‌شان] نداریم اما بر این امر قطعاً احساس تأسف می‌کنیم که این انحصارطلبان کشور نه تنها به احمدی‌ها ظلم و ستم کرده‌اند بلکه به پاکستان ظلم کرده‌اند و دارند می‌کنند و در جهان موجب بدنامی کشور و مانع پیشرفت آن می‌شوند، همچون موریانه دارند می‌خورند. دعا کنیم که خداوند متعال کشور را از این ظالمان و ستمکاران پاک کند.

دوباره وقایع و روایات حضرت بلال را تعریف می‌کنم حضرت بلال در تمام غزوات به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرد. در غزوه بدر وی با گروهی انصار امیه بن خلف را کشت. حضرت بلال منشی یا خزانه‌دار حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هم بود.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم خانم‌ها را به صدقه دادن تحریض نمودند آنگاه خانم‌ها دست‌های خود را خم کرده و انگشترهای خویش را درمی‌آوردند و به پارچه حضرت بلال می‌انداختند.

حضرت بلال این سعادت پیدا کرد که اولین مؤذن باشد. حضرت بلال در تمام حیات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در سفر و حضر مؤذن بوده است. به

مشورت صحابه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای فراخواندن به نماز به فکر شیپور افتادند و سپس به زدن ناقوس دستور دادند. سپس حضرت عبدالله بن زید انصاری در رویا الفاظ کنونی اذان یاد داده شدند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند که این رویا از طرف خدا است و به طبق فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم عبدالله بلال را این الفاظ یاد داد. حضرت عمر بن خطاب وقتی صدای این اذان را شنید و در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم عرض کرد: یا رسول الله، به خدا قسم، من هم در خواب همان را دیدم که وی دیدند حضرت بلال می‌خواستند بعد از اذان در خدمت نبی کریم صلی الله علیه و سلم اطلاع بدهند و جلوی در ایشان می‌ایستادند و می‌گویند که حی علی الصلوة، حی علی الفلاح، الصلوة یا رسول الله.

در سنن ابن ماجه از حضرت بلال روایتی است که ایشان برای اطلاع نماز فجر در خدمت نبی صلی الله علیه و سلم آمدند و گفتند که شما در حالت خواب هستید و حضرت بلال گفتند که الصلوة خیر من النوم.

در روایت دیگر است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند که ای بلال! این الفاظ چه قدر زیبا اند، در اذان فجر شامل کنید.

حضور انور فرمودند که بخشی از ذکر حضرت بلال باقی است. ان شاء الله در خطبه آینده بیان خواهد شد. در بخش دوم خطبه حضور پر نور ذکر خیر چهار فوتشدگان کردند و اعلام نماز میت غایب شان فرمودند.

اولین ذکر از عزیزم رؤوف بن مقصود از بلژیک است. او دانشجویی جامعه در بریتانیا بود. بتاريخ ۲ سپتامبر بسبب تومور مغزی فوت کرد. انا لله و انا الیه راجعون. او در سال ۲۰۱۸م در جامعه ثبت نام کرد. عزیزم خوش اخلاق، خوش گفتار، ادراک روحیه وقف را داشت عاشق خلافت بود. بسیار روشن مغز داشت، نوجوانی دارای استعداد های فوق العاده بود.

نماز میت دوم از آقای طفر اقبال قریشی معاون امیر اسبق ناحیه اسلام آباد بود. متوفی بتاريخ ۳ سپتامبر در ۸۷ سالگی وفات یافت. انا لله و انا الیه راجعون. پدر بزرگش آقای عبید الله قریشی صحابی حضرت مسیح موعود علیه السلام بود. متوفی از لحاظ شغل مهندس بود و در سال ۱۹۹۴م بعنوان مهندس ارشد از شغل دولتی باز نشسته شد. در سال ۱۹۹۸م تا ۲۰۱۹م وی بعنوان معاون امیر اسلام آباد توفیق خدمت می یافت. حضور انور فرمودند متوفی با بسیار فروتنی و عاجزی وظایف خود را به جا می آورد.

ذکر خیر سوم از عالی جناب کابنی کاباجا کاتے از سنگال بود که بتاریخ ۲۴ اوت در ۸۵ سالگی فوت کرد. انا لله و انا الیه راجعون. متوفی تا هیجده سال عضو پارلمان کشور بود. همین طور در کمیته مرکزی بعنوان دبیر امور خارجه توفیق خدمت یافت. وی خیلی شجاع، مخلص، عاشق خلافت، میهمان نواز، و دارای استعداد های سیاسی و اداری فوق العاده بود.

ذکر خیر بعدی از آقای مبشر لطیف وکیل دادگاه عالی بود که ۵ مه در ۸۵ سالگی فوت کرد. انا لله و انا الیه رجعون. متوفی تا ۱۷ سال رئیس جماعت فیصل تاون لاهور ماند. متوفی در تیم وکیل ها در پاکستان توفیق خدمات گران قدر یافت. از میان سه وکیل بودند که در سال ۱۹۷۴ نمایندگان جماعت بودند. تا مدت ۴۶ سال فریضه درس و تدریس در دانشگاه پنجاب انجام دادند. در پسماندگان علاوه از همسر، شش دختر و نوه دختر و پسر زیادی گذاشتند.